

اسوه‌پذیری از سیره فاطمی

سعید سلیمانی^۱

چکیده

مکاتب گوناگون دنیای مدرنیته و پست مدرن در پی انسان محوری به این معنا که هر انسانی بایستی به تمایلات نفسانی خود نیل پیدا کند و به نوعی انسان محوری به جای خدا محوری قلمداد می‌شود، اما اسلام ناب با منابع معرفتی که در اختیار دارد در صدد است تا انسان‌ها را به سوی کمال مطلق و نور مطلق هدایت کند و در این مسیر از اصل اسوه‌پذیری و الگو‌پذیری غافل نبوده است. در قرآن انسان‌هایی به عنوان اسوه و الگو معرفی شده‌اند. اما آنچه به عنوان هدف مشخص در این نوشته دنبال می‌شود الگو بودن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان یک انسان معصوم و مورد انتخاب از طرف خداوند متعال است که شرایط و موانع آن در بوته بررسی و نقد قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است. با عنایت به دنیای امروز و اینکه دنیای پست مدرن به دنبال رهایی از هر فضیلت و اخلاق و حیانی است، دنیای اسلام با عقلانیت و استدلال‌های مبتنی بر واقع در راستای نفی تفکرات غربی با استحکام و پرقدردت رو به جلو در حرکت است. اهمیت اسوه‌پذیری اولین دستاور این پژوهش است که جهت‌گیری بحث را با دنیای مدرنیته مشخص می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اسوه‌پذیری، اسوه کامل، حضرت فاطمه علیها السلام، خطا در اسوه‌پذیری،

سیره معصوم.

۱. فارغ التحصیل سطح چهار فقه و اصول و دانش پژوه سطح چهار موسسه حوزوی امام رضا علیه السلام، قم.

مقدمه

تاریخ بشر با دین و اسوه پذیری از شخصیت‌های دینی آمیخته بوده است و آدمی هیچگاه خود را بی نیاز از آن ندیده است. از طرفی در دنیای مدرن‌نیت‌ها با ارائه تعاریفی جدید از دین، مثل نظریه «شبهات خانوادگی» یا بنا نهادن دین انسان ستایی توسط آگوست کنت یا افیون دانستن دین‌های رایج توسط مارکس، راه مقابله با مکاتب خدا‌باور به خصوص مکاتب توحیدی را پیش گرفتند و به جای اسوه قرار دادن اوصافی که در متن واقع تنیده است سراغ الگو قرار دادن هوا و هوس‌های انسانی و زودگذر رفته‌اند.^۱

ارنست رنان با اقرار بر محال بودن محو شدن علاقه به دین و باقی ماندن دین، باز با رویکردهای الحادی، عوامل روانی و اجتماعی را در پیدایش و گرایش به دین و اخلاق دینی مؤثر دانسته است مثلاً منشاء پیدایش دین را ترس از حوادث طبیعی دانسته یا برخی دیگر به تصور غلط قائل به خدای رخنه پوش شده‌اند و این درجایی بوده که علت واقعی پدیده‌ها را نمی‌دانستند و آن‌ها به خواست و اراده خدا مستند می‌کنند و برخی دیگر دست به دامان عقده‌های روانی (عقده ادیپ یا الکترا) شده‌اند امسال فویر باخ و لود ویگ و اریک فروم و کارل مارکس نظریه از خود بیگانگی را پرورش داده‌اند و برخی دیگر بهترین راه را در اصل توتمی یا توتمیسم جستجو کرده‌اند که هر کدام از این نظریات با چالش‌های جدی مواجه است که حتی خود فلاسفه غرب بر اصل واحدی توافق ندارند با این همه پیدایش دین و آمیختگی آن با سرشت انسان حاکی از اراده خدا برای هدایت آدمیان است که تجلی کامل آن در مثلث وحی و عقل و فطرت متمثل می‌شود.^۲

۱. مطهری، استاد مرتضی: علل گرایش به مادی‌گری، ص ۷۶.

۲. فلسفه احکام، ص ۱۵۶، اسلام پزشکی بی دارو، ص ۴۶ و نور ملکوت قرآن، ج ۳، ص: ۳۰.

تعبیر «انتظار بشر از دین» به جای «نیاز به دین» از دیگر تلاش‌های غرب برای به اسارت گرفتن راه رسیدن به کمال و نور مطلق است. چهره جدید دنیای مدرنیته تعارض علم و دین قلمداد می‌شود ماکس وبر در دنیایی که دم از عقل‌گرایی می‌زنند می‌گوید باید بهترین وسیله برای دستیابی به اهداف خود برگزینیم یا کلیفورا با عقل‌گرایی حداکثری که روی دیگر سکه دلیل‌گرایی است یا عقل‌گرایی انتقادی که نظام‌های دینی را بایستی با عقل مورد نقد قرار داد همگی در رویارویی با عقل‌گرایی اعتدالی در مکتب اسلام اهل بیته قرار گرفته‌اند.^۱

علم ورزی نوین منابع معرفت را در تجربه خلاصه میکند و خود را محروم از منابع معرفتی یعنی وحی، عقل و شهود می‌کند.^۲ با این همه اسلام ناب با منابع معرفتی که در اختیار دارد در صدد است تا انسان‌ها را به سوی کمال مطلق و نور مطلق هدایت کند و در این مسیر از اصل اسوه‌پذیری و الگو‌پذیری غافل نبوده است. در قرآن انسان‌هایی به عنوان اسوه و الگو معرفی شده‌اند. اما آنچه به عنوان هدف مشخص در این نوشته دنبال می‌شود الگو بودن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان یک انسان معصوم و مورد انتخاب از طرف خداوند متعال است که شرایط و موانع آن در بوطه بررسی و نقد قرار می‌گیرد. در این راستا از روش متداول در این گونه موضوعات یعنی روش کتابخانه‌ای و تکیه بر متون دینی استفاده می‌شود.

یافته‌ها

با عنایت به دنیای امروز و اینکه دنیای پست مدرن به دنبال رهایی از هر فضیلت و اخلاق و حیانی است، دنیای اسلام با عقلانیت و استدلال‌های مبتنی بر واقع در راستای نفی تفکرات غربی با استحکام و پرقدرت رو به جلو در حرکت

۱. معرفت قرآنی، ۵، ۱۸۳.

۲. رابطه علم و دین، ص: ۱۱۵.

است^۱ و این نوشته نیز با توجه به یافته‌های آن در همین راستا قدم بر می‌دارد. اهمیت اسوه‌پذیری اولین دستاور این پژوهش است که جهت‌گیری بحث را با دنیای مدرنیته مشخص می‌کند. انواع اسوه‌پذیری و خطاها در اسوه‌پذیری که شامل اشتباه در تشخیص مصداق کمال و اشتباه در تعیین اسوه کامل و اشتباه در حد و مرز الگوپذیری می‌شود در صدد تعیین حدود و مرزبندی بین دنیای اسلام ناب و نحله‌های متنوع فکری در غرب است.

در قسمت آفت‌های اسوه‌پذیری که شامل الگوپذیری مطلق از آبا و اجداد و الگوپذیری غیر عاقلانه از باطل و الگوپذیری از اکثریت و الگوپذیری کامل از الگوهای غیر صالح به عنوان روشهای غیر عاقلانه‌ای است که در غیر دنیای اسلام رواج زیادی دارد.

روش‌های اصلاح اسوه‌پذیری به عنوان راهکارهای اسلام ناب برای پیشگیری از گزئی در مسدله اسوه‌پذیری است دیدگاه قرآنی در اسوه‌پذیری به عنوان اینکه اسوه‌پذیری از اخلاق و حیانی سرچشمه می‌گیرد معرفی می‌شود و اینکه حضرت زهراء استمرار اسوه‌حسنة و الگوی امامان هست از دیگر دستاوردهای این پژوهش است.

بحث

اهمیت اسوه‌پذیری

انسان، در نهاد خویش همواره رو به سوی کمال دارد و با اشتهایی سیری‌ناپذیر در تکاپوی صعود به مدارج کمال، تعالی و ترقی است. تکامل و حرکت استکمالی به وسیله نیروهای به ودیعت نهاده شده در سرشت کمال‌گرای آدمی و با استفاده از شرایط و امکانات خارجی انجام می‌پذیرد.

۱. پرسش و پاسخ‌های قرآنی، ج ۱۱، ص: ۱۶۳

در راستای عروج به قله‌های رفیع ترقی و کمال، یکی از کاری‌ترین نیروهای فطری آدمی میل به تقلید و اسوه‌پذیری؛ و یکی از امکانات خارجی، سیره و تجربه کمال یافتگان است. احساس الگوخواهی فطری و درونی از یک سو و مشاهده سیر تکاملی به کمال رسیدگان از دیگر سوی، انسان را وامی‌دارد تا برای رسیدن سریع‌تر به کمال مطلوب، روش و سیره آن تکامل‌یافتگان را الگوی خویش سازد و تلاشی آگاهانه و هدف‌دار برای ایجاد هماهنگی و انسجام رفتاری با الگوهای خویش در پیش گیرد.¹

انواع اسوه‌پذیری

چنانکه گروهی از روانشناسان معتقدند، تقلید و الگوپذیری به معنای عام آن بر سه قسم است: محاکات، تقلید بالمعنی الاخص، اقتباس.

۱- محاکات: تقلید ناآگاهانه و عاری از هرگونه اندیشه و تشخیص را محاکات گویند؛ مانند کودک چند ماهه‌ای که در پی خنده اطرافیان، بی‌درنگ می‌خندد.

۲- تقلید بالمعنی الاخص (تقلید بچگانه): این نوع تقلید الگوبرداری نیمه آگاهانه از رفتار دیگران است. در تقلید بچگانه عنصر آگاهی و هدف‌داری حضور دارد؛ اما حضوری کمرنگ و اندک؛ مانند طفل سه‌ساله‌ای که تنها برای شبیه‌سازی خود به اطرافیان از اعمال ایشان تقلید می‌نماید، بدون آنکه قصد و هدف آن اعمال را درک کند.

۳- اقتباس: این قسم عالی‌ترین مرتبه تقلید می‌باشد عبارت است از تکرار عمل دیگری با آگاهی کافی از حسن کار او. این نوع تقلید و الگوبرداری کاملاً آگاهانه و هدف‌دار و از روی علم و قصد می‌باشد؛ همانند نوجوان یا جوانی که از میان رفتارهای اطرافیان، آن را که بهتر می‌یابد برمی‌گزیند و برای این‌گزینش

1. خودشناسی برای خودسازی، آیت‌الله مصباح یزدی: ص ۱۳.



دلیلی هم اقامه می‌کند. در بحث اسوه‌پذیری، سر و کار ما با «اقتباس» است و «محاکات» و نیز «تقلید بچگانه» از گستره بحث خارج است.

در عرصه اسوه‌پذیری، آنچه مطلوب و ارزشمند است، الگوپذیری کاملاً آگاهانه، هدف‌دار و از روی معرفت و شناخت کامل می‌باشد. لحاظ عنصر آگاهی و هدف‌داری در الگوپذیری‌ها متفاوت است: گاه کامل است، که شخص پس از تفکر، استدلال، تجزیه و تحلیل عقلی و با بصیرت کامل به تقلید از الگو می‌پردازد و گاه در حد کمال نیست و شخص می‌تواند برای تقلید خویش دلیلی منطقی ارائه نماید؛ ولی به دلیلی ارتكازی، به تقلید مبادرت می‌ورزد که این دلیل می‌تواند از ابهام در آید و به وضوح بیوندد. پس عمده اعمال تقلیدی انسان آگاهانه و هدف‌دار است؛ هرچند بسیاری از افراد در تعیین ملاک‌های الگوپذیری و تشخیص الگوهای شایسته دچار اشتباه می‌شوند^۱

خطاها در اسوه‌پذیری

هر انسانی طبق نظام ارزشی خود، کمال را در چیزی می‌بیند و طبق فطرت کمال‌جویی خویش در پی کسانی که واجد آن چیزند به راه می‌افتد تا با اقتدای به ایشان ره به سوی کمال بییماید. در روند این اقتدا و تقلید، سه خطا ممکن است پیش آید:

۱- اشتباه در تشخیص مصداق کمال

انتخاب اسوه بدین بستگی دارد که اسوه‌پذیر، کمال را در چه چیزی بداند. کسی که کمال انسان را در ثروتمندی می‌پندارد، مسلماً ثروتمندان را الگوی خود می‌انگارد و در رفتار به ایشان می‌گراید و از سوی دیگر فقرا و مستمندان را به سبب فقر و مسکنتشان در خور توجه نمی‌داند؛ از آنان می‌گریزد و سعی می‌کند تا آنجا که می‌تواند شبیه‌شان نباشد.

۱. برگرفته از جامعه و تاریخ، آیت‌الله مصباح یزدی: ص ۲۱۲-۲۱۴.

۲- اشتباه در تعیین اسوه کامل

انسان معمولاً در این که چه اسوه‌هایی از کمال لازم برای اسوه‌گیری برخوردارند، دچار اشتباه می‌شود. برای نمونه اگر علم و دانش را مصداق کمال بدانیم، باز امکان این اشتباه وجود دارد که انسان‌هایی را که در واقع دانشمند نیستند، دانشمند بپنداریم و تابع و مقلدشان شویم. در زمینه هیچ‌یک از علوم و معارف بشری دانشوران و کارشناسان راستین به سهولت شناخته نمی‌شوند و همواره ممکن است که عالم‌نمایان جاهل و گندم‌نمایان جوفروش، عموم مردم را بفریبند و در پی خود بکشانند.

۳- اشتباه در حد و مرز الگوپذیری

این اشتباه وقتی رخ می‌نماید که الگو و مرجعی که به حق، در زمینه‌ای معین صاحب‌نظر است، در سایر زمینه‌ها نیز الگوی خویش بپنداریم، یا بر عکس کسی را تنها به دلیل آنکه در زمینه‌ای خاص، کاردان و متخصص نیست، لایق الگو بودن در هیچ قلمروی ندانیم.

انتخاب یک الگوی جامع و راستین در گرو سه شناخت و آگاهی است: شناخت مصداق کمال؛ شناخت مصداق کامل؛ شناخت حد و مرز لیاقت‌ها. اشتباه در هر یک از این موارد، ممکن است ما را به اسوه‌هایی نالایق و الگوهای دروغین رهنمون شود و موجب خسارات عظیم مادی و معنوی گردد.

معرفی الگوهای راستین به افراد جامعه و مبارزه با الگوهای دروغین، آنچنان پر اهمیت است که وقتی الگویی نادرست به جامعه ارائه می‌شود، رهبری چون حضرت امام خمینی (ره) شخصاً وارد میدان شده، بت‌های فکری و فرهنگی را در هم می‌شکند و با هشدار تاریخی، گوینده را از خطر ارتداد و اعدام بر حذر می‌دارد: «با کمال تأسف و تأثر روز گذشته (روز شنبه ۸ بهمن) از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید.



فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می‌گردد و دست‌اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است، بلا شک فرد توهین کننده، محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از این گونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولان بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه‌ها قوه قضاییه اقدام می‌نماید.^۱

آفت‌های اسوه پذیری

اسوه‌پذیری، گرچه پر اهمیت و دارای تأثیری بس شگرف است، اما همچون هر امر مثبت دیگری می‌تواند دست‌خوش آفت شده، زمینه خسارت‌هایی عظیم را فراهم آورد. از این روی در این مقام به مهم‌ترین آفات الگوپذیری می‌پردازیم:

۱- الگوپذیری مطلق از آبا و اجداد

نخستین الگوهای آدمی، پدر و مادرند. کودک، والدین خویش را هم از لحاظ قدرت و هم از لحاظ علم بسی برتر از خود می‌بیند و به تجربه در می‌یابد که پیروی از پدر و مادر فواید بسیاری برای او دارد؛ از این روی می‌پندارد همه چیز را باید از پدر و مادر آموخت و در هر زمین‌های باید از آنان پیروی کرد. اگر این خصلت پیروی مطلق و بی‌چون و چرا از آبا و اجداد در سال‌ها و مراحل بعدی زندگی همچنان پابرجا بماند، باید گفت که شخص هنوز در دوران طفولیت به سر می‌برد و در زمینه الگوپذیری دچار انحراف گشته است. قرآن کریم در آیات متعددی کسانی که آبا و اجداد خود را تنها مرجع تقلید می‌پندارند و برای گفتار و کردارشان قدر و قیمت نابه‌جا قایلند سخت می‌نکوهد: «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود، به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر

بیاید، می‌گویند: آنچه از پدران خود یافته‌ایم ما را بس است. آیا اگر پدران آن‌ها چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند (باز از آن‌ها پیروی می‌کنند)؟^۱

۲- الگوپذیری غیر عاقلانه از باطل

آفت دیگر تقلید این است که شخص برای حفظ رابطه مودت‌آمیز خود با دیگران یا به قصد ایجاد مناسبات دوستانه با آنان، مقبولاتشان را که خلاف حق و حقیقت است پذیرا شود؛ یعنی از حق جدا شود تا به خلق بپیوندد. حضرت ابراهیم علیه السلام قوم خود را به همین جهت نکوهش می‌کند: *إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... شَمَا غَيْرَ از خدا بت‌هایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد.*^۲

۳- الگوپذیری از اکثریت

آفت دیگر این است که فرد، کثرت طرفداران یک رأی و عقیده را دلیل حقانیت آن رأی و عقیده بپندارد و آن را بپذیرد. این‌که پاره‌ای از افراد در هر امری تابع اکثریت می‌شوند ناشی از همین پندار باطل است. موضع قرآن کریم در این مورد چنان واضح است که نیازی به ذکر نمونه نیست.

۴- الگوپذیری کامل از الگوهای غیر صالح

اگر وجود یک یا چند خصلت نیکو در الگویی باعث این پندار شود که عقیده و سیره او در همه زمینه‌ها معتبر است، الگوپذیر در لبه پرتگاهی خطرناک واقع می‌شود. متأسفانه الگوپذیری، امروزه رواجی عجیب یافته است. فلان دکتر یا مهندس درباره مسایل فرهنگی، ابراز عقیده می‌نماید، فلان مقام اجرایی کشور در عرصه مسایل تخصصی فقه، رأی صادر می‌کند، فلان فیلسوف اعلام می‌دارد که به نظام

۱. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوا كَانُوا أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ مائده (۵)، ۱۰۴. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۱۵۹.

۲. عنکیوت (۲۹): ۲۵. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص: ۲۴۶.



اقتصادی خاصی معتقد است، فلان قهرمان ورزشی در عرصه مسایل سیاسی اظهار نظر می‌کند، فلان مقام زن درباره حجاب فتوا صادر می‌کند و... .

هر گروهی، از یکی از اینان تقلید می‌کند و از این طریق به چیزی اعتقاد می‌یابد. غافل از آنکه قبول برتری مسلم یا نا مسلم کسی در زمینه‌ای معین، نباید سبب این پندار شود که او در زمینه‌های دیگر نیز شایستگی دارد.^۱

روش‌های اصلاح اسوه پذیری

حال که دانستیم الگوپذیری آفاتی دارد و می‌تواند برای الگوپذیر زیان‌های فراوان به بار آورد، سؤال مهمی پیش می‌آید و آن این که چگونه می‌توان با آفات تقلید و الگوپذیری مبارزه کرد و ضلالت‌ها و انحرافات فردی و اجتماعی را که از آن ناشی می‌شوند، لااقل تخفیف داد؟ این مسأله که حل آن برای یک مصلح اجتماعی از قدر و اهمیت عظیمی برخوردار است با دست به دست هم دادن چند شیوه تربیتی و اصلاحی می‌تواند حل شود.

۱- افزایش معرفت عمومی

اساسی‌ترین، مشکل‌گشایترین و کارسازترین شیوه این است که قدرت تفکر و تعقل و تأمل مردم را بیشتر نماییم تا این مطلب را عمیقاً بفهمند که کمال آدمی به اموری از قبیل پول و ثروت، دانش و صنعت و اقسام و اشکال گوناگون قدرت اجتماعی نیست؛ وانگهی موفقیت یک فرد در یکی از این زمینه‌ها اگر مسلم نیز باشد، باز دلیل صحت آرا و نظرات او در دیگر زمینه‌ها و دلیل درستی رفتارهای فردی و اجتماعی او نتواند بود. افزایش قدرت تفکر مردم سبب خواهد شد که همچنین دریابند، پدر و مادر، مرجع تقلید سراسر زندگی فرزندان و همه ابعاد و وجوه حیات او نیستند و نیز در خواهند یافت که حقیقت را نباید فدای هیچ چیز و هیچ کس کرد و حتی برای ایجاد یا حفظ یا تحکیم ارتباطات دوستانه و همزیستی

۱. جامعه و تاریخ، آیت‌الله مصباح یزدی: ص ۲۱۹۲۲۱.



مسالمت‌آمیز و همبستگی اجتماعی نباید از حق دست برداشت. کثرت طرفداران یک رأی و عقیده نیز دلیل حقانیت آن نخواهد بود. فهم عمیق این مطالب موجب خواهد شد که بسیاری از افراد، گروه‌ها و قشرهایی که الگوهای عقیده و عمل مردم به حساب می‌آیند از کرسی مرجعیت تقلید فرو افتند و افراد، گروه‌ها، و قشرهای دیگری که صلاحیت این امر خطیر را دارند متصدی آن شوند.

اگر در روح و ذهن هر فردی، گرد و غبار آرا و نظرات فاسد و اوهام و خیالات باطل فرو نشیند، آن فرد می‌تواند الگوهای راستین را از الگوهای دروغین تمیز دهد. بدین ترتیب الگوهای عقیده و عمل مردم کسانی خواهند شد که باید بشوند، و کسانی خواهند بود که باید باشند و پیداست که اگر الگوهای جامعه، انسان‌هایی ذی‌صلاح باشند، مردم در راه صواب خواهند افتاد.

۲- بهره‌گیری از ویژگی‌های روانی، عاطفی، اجتماعی

«افزایش معرفت عمومی» هرچند شیوه‌ای زیربنایی است؛ اما نیازمند زمان و فرصت وسیع، نیروی انسانی عظیم و فعالیت‌های جان‌فروسان است. این شیوه مخصوصاً در جامعه‌هایی که اکثریت افراد آن‌ها معلوماتی ناچیز و نیروی عقلی ضعیف داشته باشند، با کندی و سختی مضاعف مواجه خواهد شد. از این روی باید از شیوه‌های دیگر نیز که نتایج آن‌ها سریع‌تر و سهل‌تر به بار آید، سود جست. در این شیوه‌ها از ویژگی‌های روانی و اجتماعی مردم؛ مثلاً از مجالس و محافل مذهبی، عرف و عادات، آداب و رسوم، مناسک، شعایر، احساسات و عواطف آن‌ها در راه اصلاح جامعه استفاده‌های دقیق و به‌جا می‌شود. اساساً نباید پنداشت که تنها راه تأثیر در مردم و هدایت آنان به طریق حق و حقیقت، استدلال‌ات و براهین عقلی، فلسفی و منطقی است؛ بلکه باید از خصایص روانی، اجتماعی و مذهبی آنان تا جایی که صحیح و برحق است، بهره‌های درست



گرفت. تأثیری که این‌گونه بهره‌گیری‌ها در تکوین و تغییر شخصیت‌های افراد دارد به مراتب بیش از تأثیری است که ادله خشک عقلی تواند داشت.^۱

حضرت امام ره که از عواطف و احساسات مقدس مردم برای به ثمر رسانی انقلاب اسلامی، به بهترین وجه، استفاده کرد. حضرت امام با بهره‌گیری از ویژگی‌های عاطفی، مذهبی و اجتماعی مردم، ایجادگر تحولی بنیادین در روحیه مردمان و برپا کننده انقلابی بی‌نظیر در ایران گردید.

آن تغییر و تحول بنیادین در اوایل انقلاب، بیشتر برخاسته از شور پاک و احساسات مقدس مردم بود؛ اما حفظ و استمرار آن روحیه‌های ارزشمند، دیگر در گرو شور و احساسات نخواهد بود؛ چرا که هر احساس و شوری اگر پشتوانه معرفتی پیدا نکند، به تدریج فرو می‌نشیند. از این روی برای استوار سازی بنای انقلاب و استمرار آرمان‌های آن لازم است تلاش فرهنگی وسیعی در جهت افزایش معرفت و شعور عمومی، صورت پذیرد تا از این رهگذر، عواطف و احساسات مقدس به شورمایه‌ای دایمی تبدیل گردد.

اسوه‌پذیری از چشم‌انداز قرآنی

پروردگار جهانیان و نازل‌فرمای قرآن جاویدان در آخرین نامه انسان‌سازی خود برای بشر، شیوه‌های مختلفی برای تربیت و تزکیت انسان ارائه می‌فرماید؛ روش‌هایی که هر کدام تأثیری خاص بر روح و روان و منش رفتاری انسان می‌گذارد؛ روش‌هایی چون بشارت به نعمت‌های جاویدان، بیم دهی از عذاب همیشگی، بیان سرگذشت گذشتگان، داستان پیامبران، استفاده از تمثیل، بهره‌گیری از قَسَم و سوگند و... یکی از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی که در قرآن به کرات مورد توجه قرار گرفته است، ارائه الگوهای شایسته، به طور مستقیم یا غیر مستقیم می‌باشد.

۱. جامعه و تاریخ، آیت الله مصباح یزدی: ص ۲۲۴ و ۲۲۴.

باری، تعیین الگوهای صحیح و تأکید بر پیروی از ایشان و نیز رسوا کردن الگوهای ناصحیح و در هم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی، از مهم‌ترین روش‌های تربیتی قرآن کریم است:

۱- معرفی اسوه حسنه

قرآن، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را الگوی شایسته و اسوه حسنه مؤمنان راستین معرفی می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ در پیامبر خدا برای شما؛ برای کسانی که به خدای متعال و روز بازپسین امیدوارند و خدای را بسیار یاد می‌کنند، الگویی نیکو وجود دارد.¹

آنچه در این آیه شریف و نورانی قابل توجه است، جمله لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا می‌باشد. این جمله، بدل از ضمیر خطاب در «لکم» است، تا دلالت کند بر این که اقتدا و تأسی کامل به رسول خدا ﷺ توفیقی است که نصیب هر کسی نمی‌شود. اسوه‌پذیری از رسول، صفت حمیدهای است که هر مؤمنی بدان متصف نمی‌شود؛ بلکه مؤمنانی به این صفت پسندیده نایل می‌شوند که ایمانی راستین به خداوند و روز قیامت داشته باشند؛ ایمانی که دل در گرو عشق خداوند دارند و او را بسیار یاد می‌کنند و در نتیجه این ذکر و توجه مداوم است که تأسی کامل به رسول خدا صورت می‌پذیرد.²

آری، داعیه‌داران مسلمانی آن هنگام به مقام رفیع تبعیت و اسوه‌پذیری کامل از «اسوه حسنه» نایل خواهند آمد که به خدا و روز جزا باوری راستین بیابند. به هر میزان که ایمان ما به خدا و روز جزا ضعیف‌تر باشد، انگیزه و توفیق ما در اقتدا به رسول الله ﷺ، این اسوه حسنه الهی، کمتر و ضعیف‌تر خواهد بود.³

1. احزاب (۳۳): ۲۱. رک: تفسیر جوامع الجامع، ج ۳، ص: ۳۰۸.

۲. تفسیر المیزان: ج ۱۶، ص ۳۰۵.

3. اخلاق در قرآن، آیت الله مصباح یزدی: ج ۱، ص ۱۵۶.

۲- اسوه دهی از سیره پیامبران

خداوند متعال از پیامبر رحمت می‌خواهد که در عرصه خطیر ابلاغ رسالت به پیامبران اولوالعزم اقتدا کند و همچون ایشان صبر و استقامت پیشه سازد و از شتاب و بی‌صبری بپرهیزد: فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ؛ (در تبلیغ دین خدا و تحمل اذیت امت) همچون پیامبران الوالعزم صبور باش و برای (عذاب) آنان شتاب مکن!^۱

در آیتی دیگر از پیامبر اسلام، که خود اسوه حسنه مؤمنان است، خواسته می‌شود که در پیمودن راه هدایت به پیامبران پیشین اقتدا کند: أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْهُمْ آقَدَهُ...؛ آنان کسانی هستند که خداوند متعال هدایتشان کرده است؛ به هدایت ایشان اقتدا کن.^۲

۳- الگودهی از سیره ابراهیم و پیروان او

پروردگار جهانیان، در قرآن مجید، ابراهیم عليه السلام و پیروان راستین او را الگوهای شایسته در عرصه تولی (اظهار محبت و ارادت به خداوندگار یگانه) و تبری (ابراز بیزاری و نفرت از مشرکان و همه خدایان دروغین) معرفی می‌فرماید: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ أَلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ...؛ در ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما (مؤمنان) الگویی نیکوست آن هنگام که به قوم خویش گفتند: ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید بیزاریم. میان ما و شما دشمنی و کین پابرجاست تا آنکه به خداوند یگانه ایمان بیاورید؛ مگر در این سخن ابراهیم به پدرش که: حتماً برای تو آمرزش خواهم طلبید...^۳

۱. احقاف(۴۶): ۳۵. ر.ک: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص: ۳۱۳.

۲. انعام (۶): ۹۰. ر.ک: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۳۶۸.

و در دو آیه بعد، بر اسوه بودن ایشان برای مؤمنان راستین تأکید می‌ورزد: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ...؛ به راستی در آنان برای شما، برای کسانی که به خدای متعال و روز بازپسین امید دارند، الگویی نیکو وجود دارد.^۱

۴- تشویق به اسوه‌پذیری از مؤمنان صالح

خداوند متعال، پاداش اقتداکنندگان به مؤمنان صالح را همتراز خود ایشان معرفی می‌نماید تا ارزش اسوه‌پذیری صحیح را خاطر نشان سازد: وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آن‌ها پیروی کردند، خداوند از آن‌ها خشنود گشت و آن‌ها (نیز) از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است. جاودانه در آن خواهند ماند و این است کامیابی بزرگ.^۲

در قرآن کریم بیش از یکصد بار سخن از تبعیت و اتباع می‌رود و این خود نشان‌دهنده نهایت اهمیتی است که این کتاب انسان‌سازی برای اسوه‌پذیری و تقلید در عرصه تربیت، تزکیت و هدایت انسان‌ها قایل است.^۳ باری، از آنجا که اصول مکتب و خط مشی اعتقادی- اخلاقی پیامبران و مؤمنان صالح مشترک است و به زمان و مکانی خاص محدود نمی‌گردد، قرآن کریم برای همه پویندگان راه هدایت، اقتدا به سیره صالحان گذشته را لازم و ضروری می‌داند. تا نسل انسان بر گستره خاک گسترده است، مسیر پیموده شده از سوی پیام‌آوران و اولیای الهی همواره قابل اقتدا و تأسی است.

۱. ممتحنه (۶۰): ۶ ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۴۰۸.

۲. توبه (۹): ۱۰۰ ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۹۷.

۳. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، استاد محمد تقی مصباح یزدی: ص ۲۷۷ و ۲۸۸.



۵- الگوسازی در قالب داستان و تمثیل

هدف بسیاری از داستان‌ها و تمثیل‌های قرآنی، الگوسازی از سیره پیامبران و مؤمنان راستین و عبرت‌دهی از فرجام پیشوایان کفر و گمراهی، و بدکاران عالم است: **لَقَدْ كَانَ فِي قِصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ**؛ به راستی که در بیان داستان ایشان، برای صاحبان اندیشه، عبرت کامل خواهد بود.^۱

برای نمونه، خداوند متعال در آیاتی آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران را مثال می‌زند و ایشان را اسوه و الگوی تمام مؤمنان جهان، اعم از زن و مرد، معرفی می‌فرماید: **وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا...؛** و باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بیزاری جست و) عرض کرد: **بار الها! (من از قصر فرعون و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه‌ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش.** و نیز مریم دختر عمران را که عفاف و پاکدامنی ورزید...^۲

در این دو آیه خداوند متعال با استفاده از شیوه تمثیل به معرفی دو الگوی شایسته می‌پردازد: آسیه و مریم. گویا خداوند متعال خطاب به همه ایمان‌آوردگان می‌فرماید: اگر می‌خواهید به الگویی، تأسی و اقتدا نمایید، به سیره رفتاری این دو زن بنگرید: از وسعت نظر و بلند همتی همسر فرعون سرمشق بگیرید که با وجود فراهم بودن همه امکانات مادی و دنیوی در قصر فرعون، به این دنیای زودگذر فانی و لذت‌های آنی به دیده تحقیر نگریست و از خداوند، مُلک متعالی و قصرهای باقی و نجات از شر ستمکاران یاغی را طلبید. همت را

۱. یوسف (۱۲): ۱۱۱. ر.ک: البحر المحيط فی التفسیر، ج ۶، ص: ۳۳۷.

۲. تحریم (۶۶): ۱۱ و ۱۲. ر.ک: میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص: ۳۴۵.

بنگرید که تا چه حد والاست. می‌گوید: می‌خواهم از این کاخ نجات پیدا کنم؛ ولی به چیزی فروتر از مقام قرب و رضوان تو هم رضایت نمی‌دهم. پس مرا از شرّ فرعون و رفتار ناشایست او و قوم ستمکارش نجات بخش و مرا به خانه‌ای نزد خودت در بهشت جاویدان منتقل فرما! و نیز از مریم سرمشق بگیرید؛ از پاکی و عفاف او، ایمان صادقانه و از بندگی خالصانه او.

فاطمه الگوی دُرْدانه

سروری فاطمه بر مریم و آسیه

معرفی مریم عَلَيْهَا در مقام الگوی شایسته همه مؤمنان در حالی است که بهترین تفسیر کننده آیات قرآن، مریم را سرور بانوان زمانه خویش معرفی می‌کند و فاطمه را سید، سرور و سرآمد جمله زنان در طول تاریخ. مریم سرور زنان زمانه خویش بود؛ اما دخترم فاطمه سرور همه زنان جهان، از آغاز تا فرجام آن است.^۱ او قسمتی از وجود من، نور چشم من، میوه قلب من و روح میان دو پهلوی من است!

فرشته‌ای بر من نازل شد و به من بشارت داد که فاطمه، سرور همه زنان اهل بهشت و نیز سرآمد همه بانوان امّت است.^۲

بدین ترتیب فضیلت و سروری فاطمه علیها السلام بر آسیه و مریم ثابت می‌شود. آری، مقام و منزلت زهرای مرضیه نه تنها بسی والاتر از مقام آسیه و مریم صدیقه است، که اوج فضیلت آسیه و مریم بدان است که توفیق خدمت‌گزاری آستان حضرت خدیجه کبری را به هنگامه وضع حمل فاطمه زهرا یافته‌اند.^۳

۱. رسول‌الله(ص): «أَنَّهَا (فَاطِمَةُ) كَسِيْدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ فَقِيْلَ أَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ: ذَاكَ لِمَرْيَمَ بِنْتِ عَمْرَانَ فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ مِنَ الْأَوَّلِيْنَ وَالْآخِرِيْنَ. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۲۴، روایت ۲۰. و الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۴۸۶.

۲. رسول‌الله(ص): «أَتَانِي مَلَكٌ فَبَشَّرَنِي إِنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ نِسَاءِ أُمَّتِي. بحارالانوار: ج ۲۱، ص ۲۷۹. و طرف من الأنبياء و المناقب، ص: ۳۸۲.

۳. امالی شیخ صدوق: ص ۴۵۷. غایه الحرام: ص ۱۷۷. دلائل الامامة: ص ۸. بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۲.



فاطمه، استمرارِ اسوه حسنه

پدر فاطمه به فرموده صریح قرآن جاودان، اسوه شایسته همه خداپاوران است: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی می‌باشد، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.^۱ و این در حالی است که رسول‌الله، این شایسته‌ترین اسوه حسنه مؤمنان، به کرات یگانه دخترش فاطمه را پاره وجود خویش، روح و ریحان خویش و جان و جانان خویش می‌خواند و با تعبیری گونه‌گون رضایت او را رضایت خود و ناراحتی او را ناراحتی خویش اعلام می‌دارد.

چنین تأکیدات متواتری از جانب رسول‌الله با چه هدفی صادر گردیده است؟! چرا پیامبر رحمت، اسوه حسنه مؤمنان، بر این حقیقت، فراوان تأکید می‌ورزد که: فاطمه، پاره‌ای از وجود من است؟! آیا این همه تأکید جز برای آن است که توجه همه مؤمنان طول تاریخ را به اسوه‌پذیری از ابعاد زندگانی فاطمه، در مقام استمراربخش سیره رسول‌الله، جلب کند؟!

چرا چنین نباشد، در حالی که وجود فاطمه از وجود رسول خدا جدا نیست. وجود فاطمه، قسمتی از وجود رسول خداست و سیره او جلوه دیگری از سیره رسول خدا. وجود فاطمه، مکمل وجود رسول خداست و اسوه‌گری فاطمه، تکمیل‌کننده اسوه‌گری شایسته‌ترین اسوه حسنه. تکمیل‌کننده اسوه حسنه در عرصه‌هایی چون: دفاع جانانه از ارزش‌های اسلام، جانبازی برای استمرار رسالت، عشق‌بازی در راه بقا و دوام ولایت، جهاد بی‌امان فرهنگی، تقوا و عبادت، مهرورزی و محبت، عفاف و حجاب، تربیت فرزند، تدبیر منزل، تجهیز روحی و روانی مرد برای جهاد و

۱. احزاب (۳۳): ۲۱. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۲۴۱.

فاطمه، حجت و الگوی امامان

فاطمه، استمرار اسوه حسنه است و این است رمز و راز آنکه سیره فاطمه برای همه امامان از نسل او، اسوه، حجت و الگو می‌گردد: نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَ فَاطِمَةٌ حُجَّةٌ عَلَيْنَا؛ ما (امامان معصوم) حجت خداوند بر مردمان هستیم و فاطمه، حجت (خداوند) بر ما.^۱

اسوه‌گری سیره فاطمه عَاطِمَةُ السَّلَامِ، چنان در اوج یگانگی است که مولای عدل‌گستر ما که جهانی چشم‌انتظار اوست تا ظهور نماید و الگوی همگان در تمام ابعاد وجودی انسان گردد، فاطمه را اسوه نیکوی زندگانی خویش معرفی می‌فرماید: وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِيْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ همانا در دختر رسول خدا برای من، الگویی شایسته وجود دارد.^۲

فاطمه، الگوی زندگانی من است، نه از آن جهت که مادر من است؛ بلکه بدین جهت که دختر رسول خداست و استمرار وجود او؛ پاره وجود رسول خداست و اسوه‌پذیری از وی، همان اسوه‌پذیری از رسول خداست و در یک کلام: اسوه‌پذیری از فاطمه، همان امتثال فرمان خدا در اسوه‌پذیری از رسول خداست.^۳

فاطمه نه تنها الگوی زنان، که الگوی تمام جهانیان است. اسوه‌گری فاطمه هرچند برای زنان، در بردارنده یگانه‌ترین و زیباترین جلوه‌هاست؛ اما اسوه‌گری او ویژه زنان نیست. هرچند روز ولادت فاطمه، افتخاربخش تمام زنان عالم گردیده و

۱. عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد،

ج ۱۱-قسم ۱-فاطمه‌س، ص: ۷.

۲. فی توفیق مولانا صاحب الزمان الذی خرج فیمن ارتاب فیہ صلوات الله علیه: ... وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِيْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ ... بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۸، باب ۳۱، روایت ۹. و عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد، ج ۱۱-قسم ۱-فاطمه‌س، ص: ۱۰.

۳. ای وجود اقدس روح و روان مصطفی *** مصطفی معبود را جانان، تو جان مصطفی. دیوان محتشم کاشانی: ص ۳۰۳.



روز زن نامیده شده است؛ اما روز ولادت او، افتخاریخش همه مردان و زنان جهان و جلوه‌نمای تمام مکارم اخلاقی است و بنابر یکی از جامع‌ترین و زیباترین بیان‌ها: «انتخاب چنین روزی به عنوان روز زن به معنی انتخاب زیباترین، متعالی‌ترین و مقدس‌ترین الگو برای زنان مسلمان، بلکه زنان همه جهان است. تجلیل از مقام فاطمه علیها السلام، تکریم ایمان، تقوا، علم، ادب، شجاعت، ایثار، جهاد، شهادت و در یک کلمه مکارم اخلاق است که پدر بزرگوارش برای اتمام آن مبعوث شد. و آن گاه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله، فاطمه را پاره تن خویش می‌خواند، به جهانیان می‌آموزد که جلوه والای کرامت انسانی و اخلاق اسلامی را در این چهره مقدس جستجو کنند و مادران جهان، شعاعی از این خورشید درخشان برگیرند و کانون حیات انسان‌ها را گرم و روشن سازند.^۱

۲۶

عوامل تأثیرگذار بر شخصیت اسوه‌ها

در عرصه اسوه‌پذیری، عوامل اساسی تأثیرگذار بر شخصیت اسوه‌ها امری تعیین کننده و بسیار مهم به شمار می‌آید. اگر شخصیت اسوه را بیش از هر چیز تابع عواملی چون وراثت، محیط جنینی، محیط جغرافیایی و محیط اجتماعی او بدانیم، اساساً جایگاهی برای اسوه‌پذیری باقی نخواهد ماند؛ چرا که شکل‌گیری شخصیت اسوه را از رهگذر عوامل جبری، چون وراثت، جبر محیط، جبر غریزه، جبر سن و... دانست‌هایم. اما اگر در عین اعتقاد به تأثیر عواملی چون ارث، محیط، سن و... مؤثرترین عامل در پیریزی و تکامل شخصیت را اراده و اختیار آزاد بدانیم، اسوه‌پذیری جایگاه ممتاز و ویژه‌ای می‌یابد و هر اسوه‌ای، هرچند که در مکان‌ها و زمانه‌ای دور زیسته باشد، قابل اقتدا و تأسی خواهد گشت. از این روی در این فصل ابتدا به مجموعه عوامل تأثیرگذار بر

۱. چهار سال با مردم، گزارشی از دومین دوره ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: ص ۲۷۲. پیام به سمینار کوثر شیراز به مناسبت تولد حضرت زهرا(س) جامعه و تاریخ، آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۱۷۵ - ۱۹۹.

شخصیت‌های انسانی، اشارتی می‌کنیم و آنگاه پس از تعیین میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل به بررسی عوامل شکل‌دهی شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و شیوه‌های اسوه‌پذیری از ایشان می‌پردازیم.

روانشناسان با وجود اختلاف‌های عمیق و فراوان، جملگی بر این مسأله اتفاق نظر دارند که در شکل‌گیری و تحول شخصیت آدمی دو عامل «وراثت» و «محیط» به عنوان عامل اصلی دخالت و تأثیر دارند. ایشان بعضاً دو عامل «گذشت زمان = سن» و «وجدان اخلاقی» را نیز می‌افزایند.^۱

وراثت

تأثیر و اهمیت وراثت- به معنای تمام ظرفیت‌ها و استعدادهای ژنتیکی و کروموزومی که آدمی از پدر، مادر و اجداد خود گرفته، با خود به دنیا می‌آورد- در پایه‌گذاری و تشکیل شخصیت انسان نمی‌تواند مورد شک و تردید واقع شود.^۲ عامل وراثت به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شخصیت انسان، و نه به عنوان تنها عامل، قابل قبول می‌باشد. به عنوان شواهدی بر پذیرش این عامل از سوی اسلام می‌توان توصیه‌های اسلامی راجع به انتخاب همسر، پاک‌ی و طهارت غذای والدین، پاک‌ی و طهارت جسمی و روحی ایشان قبل از انعقاد نطفه را برشمرد.

عامل وراثت بر خصوصیات جسمانی، مانند رنگ پوست و چشم و مو، بلندی یا کوتاهی قامت، فریبهی یا لاغری و نیز بر چگونگی کارکرد اعضای درونی بدن؛ مانند قلب، مغز، معده، سلسله اعصاب و غده‌ها و نیز بر خصوصیات چگونگی هوش، حافظه و ... مؤثر است. به عنوان مثال میزان ترشح غده‌های بدن که می‌تواند تحت تأثیر عامل وراثت قرار گیرد، تأثیر عظیمی در صحت و سلامت مزاج و در عواطف و هیجانات و فعالیت‌های روانی و در زندگی مادی و معنوی ما دارند. چنان که ترشح بیش از اندازه یکی از این غدد (تیروئید) سبب تندخویی و زودخشمی و بی‌اختیاری

۱. جامعه و تاریخ، آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۱۷۵ - ۱۹۹.

۲. جامعه و تاریخ، ص ۱۸۳.



حرکات و واکنش‌ها و در نتیجه بی‌ثباتی رفتار شخص می‌گردد و کاستی تراوش این غده آثار مخالفی چون اضطراب، سستی، بی‌قیدی و وارفتگی بر جای می‌گذارد.

محیط

محیط در مقام عاملی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت‌ها به دو قسم تقسیم می‌گردد: محیط داخلی و محیط خارجی.

الف) محیط داخلی: مراد از محیط داخلی، درون رحم مادر در مدت بارداری است که همه عوامل مؤثر بر جنین درون رحم را در بر می‌گیرد. از آنجا که تغذیه جنین از خون مادر است، عواملی چون سن مادر، وضع مزاجی و روانی او، نوع غذاهایی که صرف می‌کند و... در چگونگی رشد جنین تأثیر به‌سزایی دارد. خلاصه آنکه محیط قبل از تولد، تأثیری مهم در تشکیل شخصیت کودک دارد؛ بدین‌گونه که یا به شکوفایی بعضی از استعدادهای ارثی کمک می‌کند یا برعکس برای آن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کند.

ب) محیط خارجی: محیط خارجی که در بر دارنده مجموعه عوامل پیرامونی مؤثر بعد از تولد است، خود به دو قسم انقسام می‌یابد: محیط طبیعی و جغرافیایی و محیط انسانی و اجتماعی.

- محیط طبیعی و جغرافیایی: این عامل شامل منطقه جغرافیایی، نوع آب و هوا (گرمسیری، معتدل یا سردسیری)، چگونگی غذاهایی که انسان می‌خورد و... است که در چگونگی رشد و نمو و حتی در ساختمان بدنی، قیافه، استعدادهای هوشی، سن بلوغ و... تأثیر فراوان دارند؛^۱

- محیط انسانی و اجتماعی: این محیط، خود شامل محیط‌های بسیاری از جمله محیط خانواده و محیط‌های بیرون از خانواده در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و... است. از میان این محیط‌ها، تأثیر محیط خانواده بر شکل‌گیری

۱. جامعه و تاریخ، ص ۱۸۳.

شخصیت انسان، بسی بیشتر و چشمگیر است. این که محیط خانواده پر از شور و نشاط باشد؛ این که پدر و مادر تا چه میزان دارای حسن تفاهم، سازگاری و حرمت‌گذاری باشند؛ این که والدین دارای چه فضیلت‌ها یا رذیلت‌های اخلاقی باشند و...، و خلاصه هر آنچه در محیط خانواده می‌گذرد، نخستین و بادام‌ترین آثار را در کودک بر جای می‌گذارد و شخصیت وی را پی می‌ریزد.

بعد از خانواده، محیط‌های گوناگون دیگر، چون محیط تعلیم و تربیت، محیط کار... تا چگونگی ازدواج و تشکیل خانواده، شخصیت همسر، مجالس و محافل علمی و دینی، مشارکت‌های سیاسی و... جملگی در تشکیل یا تغییر شخصیت می‌توانند مؤثر واقع شوند.

گذشت زمان (سن)

یکی از عوامل مستقل دیگری که در تحول شخصیت دخالت دارد، سن است. بی‌شک گذشت زمان در تن و روان انسان، گفتار و کردار او، نوع خواسته‌ها و آرزوهای او و در چگونگی تلاش‌ها و فعالیت‌های او تأثیر دارد و تا حدی باعث دگرگونی شخصیت‌ها می‌گردد.^۱

وجدان اخلاقی

مراد از «وجدان اخلاقی»، استعدادهای فطری آدمی در تشخیص خیر و شر و گرایش طبیعی او به سوی خیر و گریز از شر است. روانشناسان در برشماری عوامل مؤثر بر شخصیت انسان، معمولاً بر چهار عامل پیش‌گفته پافشاری می‌کنند؛ اما به عقیده ما، در کنار عوامل فوق، عوامل مهم دیگری نیز وجود دارند که پاره‌ای از آن‌ها در شکل‌گیری و تحول شخصیت همه انسان‌ها تأثیر دارد و بعضی دیگر در تکوین و تغییر شخصیت انسان‌هایی معدود دخیلند.

۱. جامعه و تاریخ، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.



فطریات

مراد از فطریات، اموری خدادادی است که در میان همه آدمیان مشترک است؛ هرچند شدت و ضعف می‌پذیرد.

فطریات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) غرایز: که مربوط به جنبه حیوانی است و از این روی بین انسان و سایر حیوانات مشترک است؛ مانند میل به غذا، جفت‌جویی و صیانت ذات؛
ب) فطریات بالمعنی الاخص: که متعلق به جنبه انسانی انسان و ویژه بنی آدم است؛ نظیر قدرت طلبی، جمال‌دوستی، حقیقت‌جویی.

عوامل غیبی

از جمله عوامل شخصیت‌ساز دیگر که البته عمومیت ندارد و ممکن است در اکثریت انسان‌ها تحقق نپذیرد، عوامل غیبی و ماورای طبیعی از قبیل وحی و الهام است.

آنچه در تکوین و تغییر شخصیت انبیا و اولیای الهی علیهم‌السلام سهمی به سزا داشته، عامل وحی یا الهام بوده است؛ عواملی که ایجادگر تحولاتی عظیم در زندگانی آن بزرگان و دیگر انسان‌های تاریخ بشری گردیده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مأمور بود که به مردم بفرماید: **إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ؛** من بشری چون شمایم [با این فرق] که به من وحی می‌شود.^۱

اختیار و اراده آزاد

مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت هر انسان، اختیار و اراده آزاد اوست. به عقیده ما هیچ یک از ۶ عامل پیش‌گفته، به تنهایی و نه در کنار مجموع ۵ عامل دیگر، علت تامه شکل‌گیری و تغییر شخصیت آدمی نمی‌تواند بود. جزء اخیر علت تامه شکل‌گیری و تحول شخصیت آدمی که مؤثرترین عامل نیز می‌باشد، اختیار انسان است.

۱. کهف (۱۸): ۱۱۰ و فصلت (۴۱): ۶. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۵۷۶.

اگر از تأثیر و دخالت مهم عامل «اراده آزاد و اختیار» در شخصیت انسان غفلت یا تغافل یا انکار کنیم، در واقع، انسان را تسلیم یک یا دو یا چند جبر دانسته‌ایم و شخصیت، اراده و رفتار او را معلول یک عامل جبری یا معلول برآیند دو یا چند عامل جبری انگاشته‌ایم. در این صورت، انسان موجودی همچون جمادات، نباتات و سایر حیوانات خواهد بود و بنابراین نه تکلیفی خواهد داشت و نه مسؤولیتی، نه ستایش نه تحسینی، نه نکوهش و تقبیحی، نه پاداشی و کیفری. خلاصه همه نظام‌های ارزشی، اعم از حقوقی، اخلاقی و دینی فرو خواهد ریخت و تنها چیزی که بر قلمرو پدیده‌های انسانی حاکمیت و سیطره خواهد داشت جبر وراثت، جبر محیط، جبر سن، جبر غریزه و... است؛ یعنی مجموعه‌ای از جبرهای فیزیکی، زیستی، روانی، و اجتماعی^۱.

اختیار، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار

قاطع‌ترین عامل تأثیرگذار در رفتار و شخصیت انسان، همان نیروی اراده و اختیار آزاد اوست. تأثیر مجموعه عوامل دیگر همچون وراثت، رحم مادر، محیط طبیعی و جغرافیایی، محیط انسانی و اجتماعی، و گذشت زمان در رفتار و شخصیت انسان هرگز با تأثیر اراده برخاسته از شناخت‌ها و گرایش‌ها برابری نتواند کرد.

اراده افراد، نه معلول هیچ‌یک از این عوامل است، نه معلول برآیندی از مجموع آن‌ها. این عامل‌ها فقط زمینه را برای اعمال اراده و اختیار انسان فراهم می‌سازند تا وی با توجه به گرایش‌ها و شناخت‌های فطری و روحی خویش، آزادانه و خودخواسته رفتار کند. پس هر فرد در برابر هیچ‌یک از عوامل وراثت، محیط و سن حالت انفعالی محض ندارد. این اراده است که تعیین‌کننده قاطع رفتار و شخصیت انسان است.

۱. جامعه و تاریخ، آیت‌الله مصباح یزدی: ص ۱۸۷.



اختیار از مهم‌ترین ویژگی‌های آدمی و عامل اساسی ساختن شخصیت انسان و ایجاد اختلافات فرد است. عوامل فیزیکی، زیستی، روانی و اجتماعی هرگز تعیین‌کننده افعال اختیاری بشر نیستند؛ بلکه فقط زمینه‌ساز گزینش و اختیار اویند. بدون شک، میزان استفاده افراد بشر از این نعمت خداداده، مانند سایر نعم الهی، یکسان نیست. کسانی هستند که با عدم اعمال این نیرو، به تدریج، موجبات ضعف و فتور آن را فراهم می‌آورند، و کسان دیگری نیز هستند که با به‌کارگیری مستمر و صحیح آن، چنان قوی و نیرومندش می‌سازند که می‌توانند در برابر همه عوامل و مقتضیات دیگر بایستند. بنابراین، اگر یکی از خصایص یک فرد، نتیجه رفتار اختیاری او نباشد، خواه نتیجه رفتار غیر اختیاری و ناخواسته وی باشد، خواه مقتضای عوامل زیستی (مانند بلند قامتی یا کوتاه قدی، لاغری یا چاقی، رنگ مو، رنگ چشم و...)، آن خصیصه از مقومات شخصیت او نخواهد بود. همچنین، اگر امری منشأ هیچ عمل اختیاری نشود تأثیر و دخالتی در شخصیت نخواهد داشت. خلاصه آن‌که شخصیت انسان ساخته و پرداخته رفتار اختیاری اوست و چون عامل مباشر در رفتار اختیاری، اراده آزاد شخص است، باید گفت اراده سهم اساسی و درجه اول را در شکل‌گیری و تحول شخصیت دارد.^۱

عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت فاطمه علیها السلام

در شکل‌گیری شخصیت یگانه اسوه‌ای چون فاطمه زهرا علیها السلام، همه عوامل تأثیرگذار بر شخصیت ایشان. از عامل وراثت گرفته تا عامل محیط و عوامل غیبی دست به دست هم داده‌اند و پرورش دهنده چنان گل بی‌نظیری در گلستان وجود گردیده‌اند.

۱. جامعه و تاریخ، آیت‌الله مصباح یزدی: ص ۱۸۷.

اسوه‌پذیری از سیره فاطمی

پدر فاطمه، محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شریف‌ترین آفریده الهی و مادر او، خدیجه بنت خویلد، از پاک‌ترین و نجیب‌ترین زنان روزگار^۱ و اجداد او جملگی از صالح‌ترین و پاک‌ترین انسان‌های روی زمین بوده‌اند.

نطفه فاطمه عَلَيْهَا در حالی منعقد می‌گردد که والدین او از رهگذر چهل شبانه روز ارتباط خالصانه با خداوند به اوج طهارت روحی دست یافته‌اند و خمیرمایه آن نطفه را با تغذیه از پاک‌ترین و بهترین میوه‌های بهشتی تکوین بخشیده‌اند.^۲ از این روی فاطمه حَوْرَاءُ الْأَنْسِيَّةِ؛ یعنی حوریه سیرتی به صورت انسان، نامیده می‌شد و پیامبر خاتم رایحه بهشت را همراه در وجود او می‌جوید. فاطمه عَلَيْهَا در محیط خانواده‌ای سراسر شور، عشق، نشاط، پاکی و صفا پرورش یافته و بعد از وفات مادر، نیکوخلق‌ترین مریبان، عهده‌دار تربیت و پرورش او گردیده است. شخصیت فاطمه عَلَيْهَا در کنار پدری استوار گشته که کانون همه توجهات و تحولات در روزگار خویش بوده است. فاطمه عَلَيْهَا، نیمی از عمر خویش را در کنار همسری گذرانیده که پرورش یافته دامن رسول است و میراث‌دار خلق و خوی محمدی و بر مجموعه عوامل فوق، عواملی غیبی، چون نزول فرشتگان، الهام‌های غیبی و... را نیز باید افزود.

شیوه اسوه‌پذیری از سیره فاطمی

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا مجموعه عوامل فوق، خللی به اسوه‌گری فاطمه عَلَيْهَا وارد نمی‌سازد؟ فاطمه‌ای که از موهبت‌های الهی بسیاری؛ چون خمیرمایه بهشتی، پدری در نهایت عصمت و طهارت، مادری در اوج شرافت و نجابت و عوامل غیبی برخوردار بوده و شخصیتش در سایه این موهبت‌ها شکل گرفته است، آیا می‌تواند اسوه و الگوی خوبی برای انسان‌های بی‌بهره از این موهبت‌ها قرار گیرد؟

۱. تاریخ خمیس: ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. بحارالانوار: ج ۱۶، ص ۷۸. عوالم: ج ۱۶، ص ۱۵.



۱- توجه به عامل اختیار در اسوه‌پذیری

در پاسخ به این‌گونه سؤال‌ها باید گفت تأثیرگذاری مجموعه این عوامل - اعم از ارثی، محیطی، زیستی، تربیتی، غیبی و... - در شخصیت اسوه‌هایی همچون فاطمه زهرا علیها السلام نمی‌تواند به مقام اسوه‌گری ایشان هیچ‌خدشه و خللی وارد سازد؛ چرا که اولاً، ایجاد پاره‌ای از این عوامل و شرایط در سطح خود قابل‌الگوگیری است؛ شرایطی چون دقت در انتخاب همسر، اهمیت دادن فوق‌العاده به تهذیب و طهارت روحی والدین قبل از انعقاد نطفه و بعد از آن، ضرورت تغذیه والدین از غذاهای حلال، و فایده‌بخش قبل از انعقاد نطفه و نیز در دوران بارداری و شیردهی و... .

۳۴

ثانیاً، نهایت تأثیر این عوامل، سرعت‌بخشی به شکوفایی استعدادهای فطری است؛ استعدادهایی که همگان از آن برخوردارند. مجموعه این عوامل تأثیرگذار هرگز نمی‌توانند فرد را از توانایی و استعدادی برخوردار سازند که هیچ‌مایه فطری نداشته باشد و دیگران به طور کلی از آن محروم باشند.

چنانکه یادآور شدیم مؤثرترین و قاطع‌ترین عامل در تعیین رفتار و شخصیت هر انسان، اختیار و اراده آزاد اوست و نهایت تأثیر مجموعه عوامل دیگر این است که شناخت‌ها و گرایش‌های فطری را تقویت یا تضعیف کنند و در نتیجه زمینه را برای گزینش و اختیار آزادانه انسان فراهم آورند.

بی‌شک در شکل‌گیری شخصیت اسوه‌هایی چون فاطمه علیها السلام عواملی چون وراثت، محیط داخلی (رحم مادر)، محیط طبیعی و جغرافیایی، دیگر محیط‌های پیرامونی (تربیت خانوادگی، چگونگی ازدواج و...) و الهام‌های غیبی مؤثر واقع شده است؛ اما می‌باید به حدود تأثیر این عوامل توجه داشت. نهایت تأثیر این عوامل، سرعت‌بخشی به شکوفایی استعدادهای فطری فاطمه علیها السلام بوده است

سرعتی والا و بی‌نظیر که ویژه آن حضرت می‌باشد و در اسوه‌پذیری از ایشان، چنین سرعتی هرگز مطلوب و مقصود نیست.

در عرصه اسوه‌پذیری از معصومانی همچون صدیقه طاهره، هرچند شاید به گرد پای ایشان نیز نرسیم؛ اما چنین نگرشی هرگز نباید باعث یأس و ناامیدی و ایجادگر مانعی در اسوه‌پذیری از ایشان گردد.

اوج عروج فاطمه علیها السلام به رفیع‌ترین مقام انسانی همواره می‌باید برای اسوه‌پذیران امیدوار کننده و نشاط‌آفرین باشد؛ چرا که اصلی‌ترین مایه قوام و شکل‌گیری شخصیت فاطمه، اراده و اختیار آزاد او بوده است.

۲- اسوه‌پذیری از مشترکات انسانی؛ نه از موهبت‌های الهی

توجه به این نکته نیز ضروری است که معصومان در آن دسته از ویژگی‌های خاص خود که تنها از موهبت‌های الهی ناشی شده است و از خصوصیات منحصر به فرد ایشان می‌باشد اسوه و الگو نمی‌باشند؛ اما ایشان در هزاران عرصه انسانی با همگان مشترکند هر چند اختلاف مراتب و درجات آن‌ها قابل انکار نیست و در همین عرصه‌ها سرمشق و الگوی زندگانی می‌باشند؛ عرصه‌هایی چون: غرایز و شهوات، هواهای نفسانی، فطرت، عقل، بندگی و عبادت، روابط اجتماعی و

۳- تفکیک میان قالب و محتوای سیره‌ها

اسوه‌پذیری از معصومان علیهم السلام به دو صورت می‌تواند صورت پذیرد: مستقیم و غیر مستقیم. الگوپذیری مستقیم آن است که گفتار و کردار آن بزرگواران را عیناً برنامه و راه و رسم زندگانی خویش قرار دهیم. در بسیاری از موارد گفتاری خاص یا رفتاری مشخص از ایشان با همان شکل و قالب رفتاری می‌تواند اسوه و الگوی ما قرار گیرد. برای نمونه می‌شنویم که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در پی هر نماز واجب ذکر مخصوصی داشتند (۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد لله، ۳۳



مرتبه سبحان‌الله؛ ذکرى که دستور آن را به عنوان هدیه‌ای عظیم از پدر بزرگوارشان دریافت کرده بودند^۱ و همواره بر آن مداومت می‌ورزیدند و به شیعیان خویش نیز توصیه می‌فرمودند؛ از این روی ما نیز به آن حضرت اقتدا می‌نماییم و همان ذکر را با همان ترتیب بعد از هر نماز واجب به عنوان با فضیلت‌ترین تعقیبات نماز می‌گوییم. چنین اقتدایی به آن بزرگوار، اسوه‌پذیری مستقیم خواهد بود.

اما الگوپذیری غیرمستقیم آن است که روح و حقیقت گفتار یا کردار آن اسوه‌های الهی را درک نماییم و با تحلیل و استنباط از سیره علمی و عملی آن بزرگواران، وظیفه خویش را در همه ابعاد زندگانی (فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...) دریابیم.

بسیاری از شکل‌ها و قالب‌های رفتاری اسوه‌ها ویژه همان عصر و زمان خودشان بوده است؛ از این روی منظور از اسوه‌پذیری از آن رفتارها این نیست که همان قالب و شکل رفتاری خاص را اقتباس و تقلید کنیم؛ بلکه مطلوب و مقصود این است که روح و محتوای آن سیره رفتاری را درک نماییم و آن را در شکل‌ها و کالبدهایی نوین، طبق اقتضای شرایط زمانی و مکانی خویش بدمیم.

برای نمونه در روایات می‌بینیم که فاطمه زهرا و علی مرتضی علیهما السلام در یک چهاردیواری کوچک و گلین زندگی می‌کنند، از یک پوست گوسفند، هم برای علف‌خور گوسفندشان و هم برای رواندازشان استفاده می‌کنند. زهرا علیها السلام چادری از لیف خرما می‌بافد و از آن استفاده می‌کند و... قالب و شکل این‌گونه رفتارها به هیچ وجه در عصر حاضر، قابل تأسی نمی‌باشد؛ اما آنچه ارزشمند و قابل تأسی است، «حقیقت»، «محتوا» و «روح» این رفتارهاست. اسوه‌پذیران حقیقی آنانند که روح این رفتارها را درک و اقتباس نمایند و در کالبد زندگانی خویش بدمانند:

۱. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۸۲، روایت ۵.

روح بی‌اعتنایی به دنیا و حقیرشماردن مظاهر فریبنده آن، روح پارسایی و رستگاری از حب دنیا، روح ساده‌زیستی و پرهیز شدید از تجمل‌گرایی.

وقتی می‌بینیم حضرت صدیقه طاهره علیها السلام آرد مورد نیاز خانواده را هر روز با دستاس (آسیای سنگی دستی) تهیه می‌فرمایند و از شدت کار با آسیای سنگی، دست لطیفشان آزرده و مجروح می‌گردد، پیام و محتوای این عمل؛ ارزش خانه‌داری، تلاش برای تولید و خودکفایی، کمک به همسر، تدبیر امور منزل و... می‌باشد؛ در حالی که شکل این رفتار (استفاده از دستاس) هیچ خصوصیتی ندارد و اگر به شیوه و قالبی دیگر به تولید، خودکفایی و اقتصاد خانواده کمک شود، چیزی از ارزش و محتوای اسوه‌پذیری نمی‌کاهد. در قیام سیاسی- فرهنگی حضرت زهرا علیها السلام و در جریان محاکمه و رسواسازی عاملان گمراهی مردم با خطبه‌ای در اوج فصاحت و بلاغت، نیز آنچه بیشتر قابل اقتدا می‌باشد، روح و پیام این سیره رفتاری است: ضرورت دفاع از حق، اهمیت دفاع از حریم ولایت، مقابله با توطئه‌های فرهنگی سیاسی منافقان داخلی، رسواسازی عاملان ضلالت و گمراهی، شناساندن حقایق و معارف الهی و... این روح جان‌فزا می‌تواند در مسجد یا در محیط‌های دیگری چون دانشگاه‌ها، راهپیمایی‌ها، اجتماعات عمومی رسانه‌های گروهی، خطابه‌ها، خطبه‌های نماز جمعه و... در قالب‌ها و شکل‌هایی نوین دمیده شود.

آری، در بسیاری از رفتارها و حتی گفتارهای معصومان علیهم السلام آنچه ارزشمند و قابل اسوه‌پذیری است؛ پیام، محتوا، حقیقت و روح آن رفتار یا گفتار می‌باشد و قالب، کالبد و شکل آن رفتار یا گفتار لزوماً مورد تأسی نیست.

۴- نوع اسوه‌پذیری، وابسته به شرایط زمانه

وجود همه چهارده معصوم پاک علیهم السلام از نوری واحد است و حقیقت نوری کردار و گفتار ایشان نیز واحد است. اگر در شکل و صورت ظاهری رفتارهای



ایشان نسبت به هم تفاوتی دیده می‌شود به دلیل اختلاف در شرایط محیطی و زمانی است. ضرورت بسیاری از رفتارها یا گفتارهای معصومان وابسته به شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی عصر و زمانه ایشان بوده است. هر یک از این بزرگواران از منظر شرعی و عقلی وظیفه داشته‌اند تا به مقتضای شرایط زمانی و مکانی، رفتارها و گفتارهای ویژه‌ای از خود ظهور و بروز دهند. از این روی در حالی که باطن و حقیقت سیره علمی و عملی همه معصومان علیهم‌السلام واحد است، تفاوت در اقتضائات زمانه باعث می‌شود که شکل و قالب رفتارها یا گفتارهای ایشان متفاوت باشد.

۳۸

حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام وظیفه خویش می‌داند که در شرایط ویژه زمانی خویش قیام کند و به دفاع عاشقانه از ولیّ امرِ غریب و مظلوم پردازد؛ در حالی که امام حسن مجتبی علیه‌السلام وظیفه خویش می‌بیند که در زمانه خویش با معاویه صلح نماید. امام حسین علیه‌السلام، اصل و ریشه دین را در خطر می‌بیند و تمام هستی، خانواده و یاران خویش را در این راه فدا می‌سازد؛ در حالی که شرایط زمانی و محیطی زمان امام رضا علیه‌السلام اقتضا می‌کند تا آن بزرگوار ولایت‌عهدی مأمون ملعون را بپذیرد.

بنابراین ما باید از همین شیوه رفتاری معصومان علیهم‌السلام سرمشق بگیریم و همیشه در فراسوی قالب‌ها و شکل‌های گوناگون رفتار ایشان، در تکاپوی کشف روح و حقیقت واقعی آن رفتارها باشیم و نیز همواره بکوشیم تا بدانیم عصر و زمانه ما، اسوه‌پذیری از سیره اجتماعی کدامیک از معصومان را اقتضا می‌کند.

این جاست که بیش از هر زمان دیگری به تحلیل‌های تاریخی اسلام‌شناسان، احساس نیاز می‌شود. در این عرصه پراهمیت، می‌باید به اسلام‌شناسان راستین مراجعه کرد و شیوه و نوع اسوه‌پذیری مطلوب از سیره معصومان را از این میراث‌داران انبیا باز جست. تنها اسلام‌شناسان راستین می‌توانند با آگاهی و تسلط

کامل بر تاریخ اسلام و مقایسه شرایط عصر و زمانه با دوره زندگانی هر یک از ائمه، بهترین شیوه اسوه‌پذیری از سیره معصومان را به جامعه معرفی کنند. نمونه‌ای بارز از تعیین نوع اسوه‌پذیری از سیره معصومان علیهم‌السلام را در سخنرانی عاشورایی ذریه فاطمه، رهبر فرزانه انقلاب، در جمع ده‌ها هزار تن از نوجوانان و جوانان شاهد بودیم:

«من واقعاً به شما برادران و خواهران عزیز توصیه می‌کنم که با تاریخ آشنا شوید. تاریخ، درس است. می‌توان از تاریخ، درس‌ها و تجربه‌های فراوانی آموخت. عده‌ای سعی می‌کنند تا حوادث روزگار ما را یک حوادث استثنایی که به هیچ وجه قابل استفاده از تاریخ نیست، وانمود کنند. این، غلط است. رنگ‌ها و روش‌های زندگی عوض می‌شود؛ اما پایه‌های اصلی زندگی بشر و جبهه‌بندی‌های اصلی او تغییری پیدا نمی‌کند.

در صدر اسلام، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ضربه‌ای که بر اسلام وارد شد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد. حکومت علی بن ابی‌طالب و حکومت امام حسن علیه‌السلام، به سلطنت شام تبدیل شد. البته امام حسن مجتبی علیه‌السلام، در آن روزگار به دلیل یک مصلحت بزرگ‌تر که حفظ اصل اسلام بود، مجبور شد این تحمیل را به جان بپذیرد. حکومت را از امام حسن علیه‌السلام گرفتند. وقتی این‌گونه حکومت از مرکز دینی خودش خارج شد و در اختیار دنیاطلبان و دنیاداران گذاشته شد، حادثه کربلا اجتناب‌ناپذیر می‌شود. بیست سال پس از آن که حکومت از محور اصلی خود که امامت است، خارج شد، فرزند پیامبر، امام حسین علیه‌السلام در کربلا با آن وضع فجیع به خاک و خون کشیده می‌شود. اساس نقشه و حمله دشمن این است که حکومت را از محور اصلی، محور امامت و محور دین، خارج گرداند؛ بعد از آن خاطرش جمع است که همه کار خواهد کرد.



من به شما عرض کنم که امروز به برکت ملت هوشیاری مثل ملت ایران، به برکت افکار برانگیخته‌ای مثل افکار ملت ایران، به برکت انقلاب بزرگی مثل انقلاب اسلامی ایران، هیچ دشمنی - نه آمریکا و نه بزرگ‌تر از آمریکا - قادر نیست تا حادثه‌ای مثل صلح امام حسن را بر دنیای اسلام تحمیل نماید؛ این جا اگر دشمن خیلی فشار بیاورد، حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد»^۱.



۱. بخشی از سخنرانی تاریخی مقام عظمای ولایت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در نخستین روز هفته جوان، ۱/۲/۱۳۷۹.

نتیجه‌گیری

اسوه‌پذیری در اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است. اسوه‌پذیری انواع مختلف دارد از جمله محاکات، تقلید بالمعنی‌الاصح، اقتباس که نوع اول و دوم مذوم است و نوع سوم موافق سرشت و طبیعت آدمی است. در اسوه‌پذیری خطاهایی رخ می‌نماید از جمله اشتباه در تشخیص مصداق کمال، اشتباه در تعیین اسوه کامل و اشتباه در حد و مرز الگوپذیری که بایستی در دام آنها گرفتار نشد. آفت‌های اسوه‌پذیری در چهار مورد قابل بررسی است که از این قرارند: الگوپذیری مطلق از آبا و اجداد، الگوپذیری غیر عاقلانه از باطل، الگوپذیری از اکثریت و الگوپذیری کامل از الگوهای غیر صالح.

اسوه‌پذیری از چشم‌انداز قرآنی نیز قابل بررسی است چرا که قرآن اسوه حسنه را معرفی و از سیره پیامبران اسوه‌دهی کرده و تشویق به اسوه‌پذیری از مؤمنان صالح کرده و در قالب داستان و تمثیل الگوسازی کرده است. با این همه فاطمه زهرا الگویی دُرْدانه در عالم است که او استمرار اسوه حسنه و حجت و الگوی امامان است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. مرتضی مطهری، علل گرایش به مادیگری، ناشر صدرا، قم، سال نشر ۱۳۹۶.
۳. محمدتقی مصباح یزدی، فلسفه اخلاق؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره)، ۱۳۹۱.
۴. احمدامین شیرازی، اسلام پزشکی بی دارو، ناشر فروغ قرآن، قم، سال نشر: ۱۳۹۱.
۵. حسینی طهرانی، محمدحسین، نور ملکوت قرآن، ناشر: علامه طباطبایی، ایران-مشهد مقدس، نوبت چاپ: ۳، سال چاپ: ۱۴۲۷ ه. ق.
۶. علی نصیری، معرفت قرآنی: یادنگار آیت الله محمدهادی معرفت(ره)، ناشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.
۷. مصباح یزدی، محمدتقی، رابطه علم و دین، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ۱۳۹۲.
۸. محمد علی رضایی اصفهانی، پرسش و پاسخ های قرآنی، ناشر: پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۳۸۵.
۹. مصباح، محمدتقی، خودشناسی برای خودسازی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره)، قم، ۱۳۸۲.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره)، قم، ۱۳۹۱.
۱۱. صحیفه نور، خمینی، روح الله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران ایران، سال نشر: ۱۳۸۹ هجری شمسی.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، مکان چاپ: لبنان- بیروت، سال چاپ: ۱۳۹۰ ه. ق.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، مکان چاپ: ایران- تهران، سال چاپ: ۱۳۷۱ ه. ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ناشر: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، مکان چاپ: ایران- قم سال چاپ: ۱۴۱۲ ه. ق.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره)، قم، ۱۳۹۱.
۱۶. زمخسری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ناشر: دار الکتب العربی، مکان چاپ: لبنان- بیروت، سال چاپ: ۱۴۰۷ ه. ق.



۱۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ناشر: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مکان چاپ: ایران - مشهد مقدس، سال چاپ: ۱۴۰۸ ه. ق
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: ناصر خسرو، مکان چاپ: ایران - تهران، سال چاپ: ۱۳۷۲ ه. ش .
۱۹. ابوحنین، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، ناشر: دار الفکر، مکان چاپ: لبنان - بیروت، سال چاپ: ۱۴۲۰ ه. ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ناشر: دار إحياء التراث العربی، مکان چاپ: بیروت، سال چاپ: ۱۴۰۳ ق.
۲۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للسدوق)، ناشر: کتابچی، مکان چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۳۷۶ ش.
۲۲. ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء و المناقب، ناشر: تاسوعا، مکان چاپ: مشهد، سال چاپ: ۱۴۲۰ ق.
۲۳. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة (ط - الحدیثة)، ناشر: بعثت، مکان چاپ: ایران؛ قم سال چاپ: ۱۴۱۳ ق،
۲۴. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد، ناشر: مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، مکان چاپ: ایران؛ قم، سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.
۲۵. شیخ حسین دیار بکری، تاریخ الخميس فی أحوال أنفس النقیس، ناشر: دار الصادر، مکان نشر: بیروت، سال چاپ: بی تا.

